

کاربردِ سازی علوم سیاسی بر اساس نیازهای عینی بازار کار

مجید بزرگمهری*

چکیده

بر اساس تجارب نظام آموزشی و پژوهشی ایران در سال‌های گذشته، کاربردِ سازی رشته‌های علوم انسانی از جمله عناصر توسعه علمی کشور محسوب می‌شود. پرسش محوری در این مقاله در مورد روش‌های ممکن برای کاربردِ سازی و نزدیک نمودن محتوای آموزشی دروس علوم سیاسی به بازار کار در جامعه ایران است. با توجه به اینکه موضوع اصلی علوم سیاسی، مسائل قدرت، حاکمیت و سیاست‌گذاری عمومی هر کشور در صحنه داخلی و خارجی است و دانش‌آموختگان این رشته‌ها نقش کلیدی در برنامه‌ریزی و اداره نهادهای سیاسی کشور ایفا می‌کنند، دقت کافی در تدوین مفاد آموزشی این رشته و گرایش‌های مرتبط، از اهمیت فراوانی

* دکتر مجید بزرگمهری استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) می‌باشد.
(mjbozirmehr@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۳/۷

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۷، صص ۴۷-۶۸.

برخوردار است و به عبارتی با سرنوشت ملت گره خورده است. در این پژوهش به موازات مطالعه اسنادی، از روش توزیع پرسشنامه میان دانشجویان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل استفاده شده است. نظرخواهی از صاحب‌نظران و مصاحبه با مقامات برخی سازمان‌های دولتی که امکان به‌کارگیری دانش‌آموختگان این رشته‌ها را دارند، موجب شد نیازهای عینی محیط‌های کاری در ارائه راهکارها مورد توجه قرار گیرد. در این رابطه ابتدا مجموعه سازمان‌هایی که دانش‌آموختگان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در آنها مشغول شده‌اند، شناسایی و دسته‌بندی شد. سپس تیم تحقیقاتی با هماهنگی‌های متعدد و با پرسش محوری از نوع نیازهای مراکز، به مدیریت کارگزینی، نیروی انسانی و در مواردی مقامات سازمان‌ها مراجعه کرد و از انتظارات این سازمان‌ها از یک دانش‌آموخته علوم سیاسی که خواهان استخدام در آن سازمان باشد، اطلاع حاصل شد. روش مطالعه، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری این تحقیق به مدل اثبات‌گرایی^۱ گرایش داشته و کوشیده با مراجعه به واقعیت‌های فضای موضوع مطالعاتی، ارزیابی از وضعیت موجود داشته باشد و به ارائه راهکار بپردازد. مباحث این مقاله در سه قسمت تفکیک شده است: نخست از ضرورت کاربردی‌سازی سخن به میان آمده، سپس وضعیت موجود و عدم کاربردی بودن محتوای دروس بحث شده و درنهایت راهکار پیشنهادی ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: علوم سیاسی، علوم بنیادی، علوم کاربردی، کاربردی‌سازی.

مقدمه

در آغاز سده بیست و یکم شاهد تغییرات اساسی در حیات جامعه بشری هستیم. جهان از عصر منابع طبیعی به عصر سرمایه، و امروز به عصر دانش، ارتباطات، تخصص و مهارت قدم گذارده است. پدیده جهانی شدن با حضور قدرتمند خود، عرصه‌های مختلف حیات بشری به‌ویژه اقتصاد، فرهنگ و سیاست را در هم نوردیده و دامنه‌ای از فرصت‌ها و تهدیدها را به وجود آورده است؛ کشورها نیز یا از آن بهره می‌گیرند یا در اثر سهل‌انگاری و اتخاذ روش‌های نادرست، در سرعت این چرخ دوار، تابع خواسته‌ها و منافع دیگران می‌شوند. در این راستا، هر کشوری می‌کوشد راهبردهای توسعه علمی را هسته مرکزی و رکن حرکت توسعه‌ای خویش قرار دهد. بر اساس تجارب نظام آموزشی و پژوهشی ایران در سال‌های اخیر، کاربردی‌سازی رشته‌های علوم انسانی از جمله عناصر توسعه علمی کشور محسوب می‌شود. جمعی از سیاست‌پژوهان کشور، وضعیت رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را دست‌کم در سطح دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی، بحران‌آمیز می‌دانند. برخی نیز گرچه از واژه بحران استفاده نمی‌کنند اما بر وجود مشکلات ریشه‌ای و شکلی در برنامه‌های آموزشی و پژوهشی این رشته‌ها تأکید دارند. نباید از یاد ببریم که هم‌اکنون ۲۵ مرکز دانشگاهی دولتی شامل مؤسسات وابسته به وزرات علوم و سایر وزارتخانه‌ها، ۳۸ واحد دانشگاه آزاد اسلامی، ۴۰ واحد دانشگاه پیام نور و ۳ دانشگاه غیردولتی (در مجموع ۱۰۶ واحد آموزشی) در حال پذیرش دانشجو در رشته علوم سیاسی (و در مواردی روابط بین‌الملل) در مقطع کارشناسی و حتی کارشناسی ارشد و دکترا هستند. این حجم کمی دانشجو با توجه به وضعیت بازار کار در ایران، همگان را بر آن می‌دارد تا در برنامه‌ریزی مفاد آموزشی و پژوهشی

این رشته‌ها، اقدامات اساسی و پایه‌ای صورت دهند.

در چهارچوب برنامه توسعه علمی کشور، موضوع کاربردی‌سازی مفاد آموزشی رشته‌های علوم سیاسی از جمله نیازهای اساسی نظام آموزشی این رشته است. پرسش محوری ما در این مقاله از روش‌های کاربردی‌سازی مفاد آموزشی رشته علوم سیاسی است. در این رابطه تلاش شد طی یک تحقیق پیمایشی از مراکز و سازمان‌هایی که دانش‌آموختگان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در آنها مشغول به کار شده‌اند، نیازهای عینی بازار کار این رشته‌ها مورد شناسایی قرار گیرد تا برپایه آن، برنامه سرفصل دروس پیشنهاد شود.

ضرورت کاربردی‌سازی دانش سیاست

در یک تقسیم‌بندی کلان، علوم به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: علوم بنیادی^۱ و علوم کاربردی.^۲ دلیل نامگذاری این دو عنوان، نوع یافته‌های حاصل از رهگذر پژوهش است. بدین صورت که اگر یافته‌های اساسی و زیربنایی که سنگ بنای فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهند، نتیجه پژوهش باشند (که به طور طبیعی نظریه‌ها و آموزه‌های معرفتی را شامل می‌شوند) آن پژوهشی بنیادی است اما اگر نتایج، عملیاتی بوده و قابلیت کاربرد در فعالیت‌های بیرونی داشته باشند، «کاربردی» هستند.

چنانکه ملاحظه می‌شود هر دو دسته این پژوهش‌ها مهم و مؤثر هستند؛ چراکه بدون کشف روابط میان عوامل و تولید نظریه یا قانون، شما نمی‌توانید در شناخت پدیده‌ها توفیق داشته باشید و بدون علوم کاربردی قادر به حل مسائل روزمره زندگی نخواهید بود. همچنین مرزهای دانش با مطالعات بنیادی توسعه می‌یابد و در پی آن تحقیقات کاربردی است که به عملیاتی کردن دانش در غیبت جامعه می‌پردازد. پس می‌توانیم پژوهش‌های بنیادی را «نتیجه‌گرا» و پژوهش‌های کاربردی را «تصمیم‌گرا» بنامیم.^(۱)

تفکیک علوم به بنیادی و کاربردی با همه مزایایی که داشته، در عمل به بروز یک ناهنجاری رفتاری در حوزه علم و دانش منتهی شده است و آن استقلال این دو

1. Basic
2. Applied

دسته علوم از یکدیگر است. بدین صورت که برخی پژوهش‌ها صرفاً نظری شده و از عرصه معادلات اجتماعی کنار گذاشته شده‌اند و در مقابل پاره‌ای از پژوهش‌ها بدون توجه به مبادی نظری و مباحث جامعه‌شناختی، به حیطة کاربرد اختصاص یافته‌اند. این تفکیک، به‌ویژه با توجه به‌گرایش عمومی به مباحث عینی و عملیاتی، به «بی‌فایده بودن» پژوهش‌های بنیادی تعبیر شده و اینکه این‌دسته مطالعات می‌توانند صرفاً برای مخاطبان خاص و درج در لابه‌لای برگه‌های کتاب و بایگانی در کتابخانه‌ها، انجام شوند؛ درحالی‌که اگرچه مطالعات بنیادی از حیث موضوع، روش پژوهش و نتیجه، از مطالعات کاربردی متمایز می‌شوند، اما مقوله‌ای صرفاً انتزاعی و بدون کاربرست در حوزه اجرا نیستند. به همین دلیل است که کارشناسان معتقدند باید کاربرست اجرایی در مطالعات بنیادی لحاظ شود؛ در غیر این صورت به ارائه نتایج غیرمفید یا کمتر مورد توجه، منتهی خواهند شد. به تعبیر دکتر سیف:

«اگر این پژوهش‌ها [بنیادی و کاربردی] به موازات یکدیگر حرکت نکنند دچار وقفه خواهیم شد... کسی نمی‌تواند از این یافته‌ها به‌تنهایی استفاده [کامل] کند. مؤسسات پژوهشی پرونده‌های تحقیقاتی متعددی دارند که تحقیقات روی آنها انجام می‌شود، اما به علت نبود پشتوانه نظری، هیچ استفاده مفیدی از این تحقیقات نمی‌شود.»^(۲)

آقای دکتر زاهدی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری با توجه به اهمیت همین موضوع است که برای کاربردی بودن یک حوزه علمی، دو سطح اصلی را مورد توجه قرار داده و معتقد است رشته‌های علوم انسانی باید در هر دو سطح تقویت شوند تا ارتقای آنها معنای عینی پیدا کند:

نخست: ارتباط رشته مورد نظر با مسائل عملی جامعه و نقش‌آفرینی آن در مدیریت موضوعات به گونه‌ای که جایگاه آن در حیات جمعی حس شود؛ دوم: توانمندی آن رشته علمی در پیشگامی نظری که از طریق توسعه مرزهای دانش از سوی اندیشه‌گران آن حوزه علمی تحقق می‌یابد.

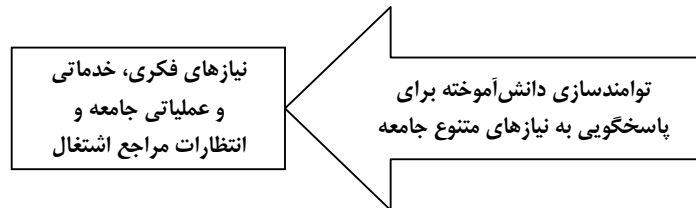
مجموع این دو ملاحظه در اصل «تمدن‌سازی» آورده شده و دکتر سیف با تأکید بر نقش تمدن‌سازی عالمان علوم انسانی، ارتقای این حوزه علمی را منوط به

فعال شدن در هر دو سطح می‌داند.^(۳)

مطابق این تحلیل، اگرچه تفکیک متعارف مطالعات به بنیادی / کاربردی صحیح است، اما در فهم و تعریف آنها نباید به گونه‌ای عمل کرد که ماهیت کاربردی «علم» نادیده انگاشته شده و صرفاً به نوع خاصی از علوم اختصاص می‌یابد؛ آفتی که محققانی چون مهرمحمدی، سیف، بیانی و متنی^(۴) به آن اشاره داشته‌اند و ظهور آن (بنیادی یا کاربردی شدن صرف) در حوزه «علوم سیاسی» را مانعی جدی در ارتقای این رشته می‌داند.

در مجموع می‌توان گفت جمع میان مبادی و قوت نظری یک حوزه دانش با نیازهای اجرایی مورد انتظار جامعه، می‌تواند به شکل‌گیری بستر مناسبی برای رشد یک حوزه علمی کمک کند. کاربردی نمودن علوم سیاسی نیز با همین مبنا قابل فهم است که می‌توان آن را همانند نمودار ذیل به نمایش گذارد.

نمودار شماره ۱. فرایند کاربردی‌سازی دانش



کاربردی نبودن دانش سیاست

موضوع کاربردی نبودن دانش سیاست صرفاً از نوع آموزش و پژوهش در این رشته متأثر نیست و طیف متنوعی از عوامل در آن دخیل هستند که از جمله آنها (مستند به دیدگاه کارشناسان این دو رشته و تحلیل تجارب ایشان) می‌توان به دیدگاه‌های ذیل اشاره داشت:

الف - دانش سیاسی و سیاست‌گذاری

دکتر ابراهیمی^۵ فر ضمن اشاره به وضعیت غیرکاربردی بودن دانش سیاست در ایران بر ضرورت کاربردی‌سازی آن برای ورود در فرایند تصمیم‌سازی تأکید می‌کند. ایشان معتقد است تا علوم سیاسی به حوزه خویش یعنی تأثیرگذاری در عرصه

سیاست‌گذاری وارد نشود، از کارآمدی دانشکده‌های علوم سیاسی یا روابط بین‌الملل خبری نخواهد بود. مشکل اساسی از منظر وی تنگ بودن فضای ارتباط دانشگاهیان و امور اجرایی و بی‌ثباتی نظام این ارتباط است.^(۵)

ب - دانش سیاسی و پیوندهای سیستماتیک علم پژوهشی

دکتر حاکم قاسمی معتقد است با وجود تلاش‌های صورت‌گرفته در جهت اصلاح روند آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل طی ۲۵ سال گذشته، این رشته‌ها هنوز ماهیت کاربردی ندارند. از نظر وی میان نظام آموزش و پژوهش با بخش‌هایی که از نتایج کار این نظام استفاده می‌کنند، پیوند سازمان‌یافته‌ای وجود ندارد؛ بنابراین باید این پیوند برقرار شود تا کاربردی‌سازی معنا بیاید.^(۶)

دکتر ازغندی در همین ارتباط بیان می‌دارد: امروزه فرهیختگان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل همانند بسیاری از رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی، دچار یک معضل اساسی شده‌اند زیرا نمی‌دانند پس از فراغت از تحصیل، از آموخته‌های خود چگونه و در کجا می‌توانند - و یا باید - استفاده کنند؛ نیز نمی‌دانند جامعه چه انتظاری از آنان دارد.^(۷)

ج - دانش سیاسی و منطق عرضه و تقاضا

دکتر خلیلی از منظر دیگری به موضوع نگرسته و بر این اعتقاد است که در جامعه ما میان عرضه و تقاضای فرهیختگان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، هماهنگی لازم وجود ندارد. بازار کار نیز چندان خواهان به‌کارگیری آنان نیست و فرجام کار چنین شده که در میان حکومتگران، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به‌مثابه رشته‌هایی منتقد و مزاحم تلقی می‌شوند که دانش‌آموختگان آن صرفاً توانایی به‌چالش کشیدن قدرت سیاسی را یافته‌اند.

از نظر وی، هم‌اکنون نوعی بدبینی دوگانه میان دانش‌آموختگان علم سیاست و روابط بین‌الملل و زمامداران ساختار قدرت به‌وجود آمده و این دوگانگی موجب شده این دسته از عالمان، از عمل دور شده و به رشته‌هایی کاملاً نظری و متکی بر تئوری‌های ذهنی تبدیل شوند. رسالت اساسی علوم سیاسی، نقد شیوه حکومتگران، سیاست‌مداران و نخبگان سیاسی است اما افزون بر آن، برنامه‌ریزی برای وضع

مطلوب و پیشنهاد شیوه‌های اعمال زمامداری خوب، از کارویژه‌های بنیادین ایشان است که نباید فراموش شود. بدینی دوگانه سبب شده دانش‌آموختگان علم سیاست و روابط بین‌الملل، آموخته‌های خود را در همسویی و هماهنگ‌سازی با گرایش سیاسی نیروهای حاکم به کار اندازند و یا به طور کلی به کارهایی پردازند که با دانش و یافته‌های علمی آنان کمترین پیوند را داشته باشد.^(۸)

د - دانش سیاسی و استقلال از قدرت

دکتر بشیریه درخصوص این موضوع معتقد است اگرچه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در فرجام کار، درباره عمل سیاسی به بررسی و نقد می‌پردازند و تلاش می‌کنند رفتار سیاسی افراد، جماعت‌ها و دولت‌ها را بررسی کنند اما در ایران از حوزه عمل سیاسی مستقل شده‌اند و از این رو دانش‌آموختگان آنها برخلاف دانش‌های فنی حتماً به حرفه‌های سیاسی روی نمی‌آورند.^(۹) به عبارت دیگر تعریف علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در فضای فارغ از قدرت، به کاربردی نشدن این حوزه از دانش منجر شده است.

ه - دانش سیاسی و افت انگیزه

دکتر زیباکلام بر این اعتقاد است که در دانشکده‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ما اتفاق مهمی می‌افتد که بسیاری از دانشجویان این رشته پس از مدتی از تحصیل، اشتیاق روزهای نخستین را برای تحصیل سیاسی و نقش‌آفرینی از دست می‌دهند. شمار قابل توجهی از دانشجویان با هزاران امید و آرزو وارد این رشته‌ها می‌شوند ولی پس از ۳ یا ۴ ترم، به فکر تغییر رشته می‌افتند. چرا؟ ایشان معتقدند افت انگیزه - به دلیل شرایط نامناسب جامعه - دلیل کاربردی نشدن این رشته‌هاست.^(۱۰)

و - دانش سیاسی و توانمندی اجرایی

دکتر سیف‌زاده نیز به کاربردی نبودن دانش سیاست در ایران اشاره کرده و معتقد است مفاد ادعای حکیم فرزانه ایران زمین، ابوالقاسم فردوسی «توانا بود هر که دانا بود»، به‌وضوح با نگاه به جایگاه دانش‌آموختگان رشته‌های سیاسی و روابط

بین‌الملل در دانشگاه‌های ایران، نقض شده است. به نظر وی، دلیل این کاستی در ارائه ندادن آگاهی‌های لازم به دانشجویان طی دوران تحصیل و عدم توانمندی دانشجویان برای ورود به این عرصه است؛ بنابراین توانمندسازی باید در متن دروس دانشگاهی قرار گیرد.^(۱۱)

ز - دانش سیاسی و روابط اجرایی

دکتر صدرا نیز همانند سایر تحلیلگران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از غیرکاربردی بودن علم سیاست در ایران گلایه‌مند است و می‌گوید این دانش در شرایط فعلی توانایی تبیین مشکلات سیاسی کشور، تعریف آنها به صورت مسائل علمی و پاسخگویی و ارائه رهیافت‌ها و نظریه‌های راه‌گشا را ندارد و نمی‌تواند راهکارهای بایسته برای سامان‌دهی سیاسی کشور، توسعه، سیاست‌گذاری و مدیریت سیاسی ارائه دهد؛ دلیل این امر نیز انزوای این رشته‌هاست که فارغ از حوزه‌های اجرایی فعالیت می‌کنند.

دکتر صدرا عدم ارتباط منسجم میان مراکز اجرایی و نیازهای آنان با مراکز آموزش و پژوهش را از جمله علل کاربردی نشدن دانش سیاسی و عدم اطلاع از نیازهای واقعی را عامل این بحران می‌داند.^(۱۲)

ح - دانش سیاسی و امنیتی شدن فضای سیاسی

یکی از دلایل اصلی کاربردی نشدن سیاست در ایران را می‌توان حضور کم‌رنگ اندیشمندان در فرایند تصمیم‌سازی به دلیل امنیتی‌شدن فضای سیاست دانست. توجه به دیدگاه *الی ویور*^۱ در مقام ارزیابی الگوی مدیریت سیاسی کشورهای جهان سوم در موضوع امنیتی کردن سیاست‌ها، تا حدودی می‌تواند به تبیین این موضوع کمک کند. مطابق نظر او، در این الگوی مدیریتی، دستگاه اجرایی برای مدیریت سریع‌تر و قاطع‌تر مسائل جامعه، به آنها صبغه امنیتی می‌بخشد و در فضایی مبتنی بر حساسیت و ضرورت، به مدیریت پدیده‌ها می‌پردازد. از جمله پیامدهای منفی این رویکرد افزایش ریسک در مدیریت پدیده‌هاست که بدین ترتیب، عرصه

تصمیم‌گیری به افرادی با ویژگی‌هایی خاص محدود می‌شود.

بر پایه این تحلیل می‌توان نتیجه گرفت مدیریت مبنی بر فهم سیاسی، الگوی مدیریت قاطع، سریع و تک‌گفتار را ترجیح می‌دهد؛ درحالی‌که جوهره دانش سیاست از تکرار روش‌ها صحبت می‌کند و لذا دانش‌آموختگان سیاست از صحنه مدیریت عملاً فاصله می‌گیرند و به مسائل نظری صرف توجه کنند. نتیجه آنکه حساسیت فضای سیاست باید تا حد امکان مدیریت و کاهش یابد تا امکان ورود عالمان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به آن و کاربردی‌شدن دانش فراهم شود.

مجموع دیدگاه‌های ارائه‌شده در خصوص دلیل کاربردی نبودن علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران را می‌توان، در پنج گروه اصلی دسته‌بندی نمود:

گروه اول: تحلیل‌هایی که بر عوامل انسانی تأکید دارند و بر این اعتقادند که ضعف محققان، اساتید و دانشجویان این دو حوزه، مانع از آن می‌شود که به تولید نظریه‌های معطوف به عمل همت گمارند.

گروه دوم: تحلیل‌هایی که بر عوامل ارتباطی تأکید دارند. از منظر این دسته از کارشناسان، نبود ارتباط معنادار میان حوزه عمل و نظر، منجر شده علم سیاست و روابط بین‌الملل ماهیتی صرفاً انتزاعی بیابد. بدیهی است برقراری این ارتباط می‌تواند به نفع هر دو حوزه باشد که در بخش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، به «کاربردی شدن» آنها منجر می‌شود.

گروه سوم: این گروه از محققان به ملاحظه‌های سازمانی نظر دارند و نوع دیوان‌سالاری، ملاحظات مالی، نوع مقررات و اجرای آنها و... را دلیلی برای گرایش عمومی محققان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل به فضاهاى انتزاعی می‌دانند که از آسیب کمتری برخوردارند.

گروه چهارم: ملاحظات روش‌شناختی چهارمین محور مهمی است که برای کاربردی نبودن علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، مدنظر قرار گرفته است. عدم آشنایی با روش‌های نوین، مشخص نبودن جایگاه «تجربه‌پذیری» و نبود امکانات لازم برای کاربست روش‌های جدید، منجر شده سبک سنتی توصیف کتابخانه‌ای مبنای تحقیقات در این دو حوزه قرار گیرد که در نتیجه آن پژوهش‌ها بیشتر انتزاعی خواهند بود تا کاربردی.

گروه پنجم: آخرین گروه از تحلیلگران بر موانع اجتماعی تأکید کرده و بر این اعتقادند که نبود «فرهنگ» مناسب و تأثیرگذاری شاخص‌هایی چون «احتیاط بیش از حد»، «دوری از مشکلات جاری»، «کلی صحبت کردن» و... منجر شده این دو حوزه به «انتزاعی بودن» اقبال بیشتری داشته باشند تا به «کاربردی شدن».

این ساختار تحلیلی پنج‌وجهی که برگرفته از الگوی پیشنهادی فانک است،^(۱۳) از حیث روایی، کامل و معنادار به نظر می‌رسد. در یک پژوهش میدانی که در خصوص علل عدم کاربست نتایج پژوهش‌ها در حوزه اجرایی در ایران صورت گرفته، تقریباً همین مؤلفه‌ها از سوی محققان اظهار شده‌اند. به عبارت دیگر چنین به نظر می‌رسد که مؤلفه‌های پنج‌گانه مذکور (انسانی، ارتباطی، سازمانی، روش‌شناختی و اجتماعی) چنانکه مدنظر گروه کارشناسی در تحقیق حاضر بوده، از سوی دیگر محققان در حوزه آسیب‌شناسی پژوهش‌های سیاسی - اجتماعی نیز مورد تأیید بوده و معناداری آن مورد اجماع نسبی است.

در پژوهش مذکور که جامعه آماری آن کل تحقیقات انجام‌گرفته در ارتباط با «موانع کاربست یافته‌های پژوهشی در حوزه اجرایی» بوده و جامعه نمونه آن ۶۲ تحقیق را شامل می‌شد، ۳۰ محور مورد پرسش قرار گرفته و پاسخ محققان در ارتباط با آنها استخراج، دسته‌بندی و تحلیل شده است. نتیجه آن که پنج محور اصلی به‌عنوان عوامل اصلی در عدم کاربردی شدن یک پژوهش شناسایی شده‌اند که فراوانی هر یک از آنها به قرار زیر است:^(۱۴)

جدول شماره ۱. عوامل اصلی در کاربردی نشدن دانش

عامل	انسانی	ارتباطی	سازمانی	روش‌شناختی	اجتماعی	سایر
درصد فراوانی	۲۲/۴۱	۲۱/۸۱	۲۱/۵	۱۸/۶۴	۱۴/۰۵	۱/۵۹
اولویت	۱	۲	۳	۴	۵	۶

روش‌های پیشنهادی برای کاربردی‌سازی دانش سیاست در ایران

کارآمدسازی

کاربردی کردن علوم سیاسی به‌معنای ایجاد ارتباط میان حوزه نظر و عمل تأثیر بسزایی در ارتقای علوم سیاسی دارد، اما تحقق این سیاست بدون توجه به اصل

«کارآمدی» غیرممکن می‌نماید. منظور از «کارآمدی» توان عملیاتی نظریه‌ها در حل مسائل است. به عبارت دیگر پس از برقراری ارتباط بین نظریه و عمل سیاسی، لازم می‌آید در تحصیل ویژگی‌ها و مهارت‌هایی بیندیشیم که می‌تواند یک نظریه را در عرصه عمل سرفراز و موفق سازد. با این تفسیر برخی از محققان، غیرکارآمدی نظریه‌های موجود را دلیلی بر عدم ارتقای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانسته‌اند. توجه به این ویژگی از آن حیث مهم است که برخلاف ویژگی «کاربردی بودن» که بیشتر رویکردی بیرونی دارد، به ماهیت و ویژگی‌های درونی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران نظر دارد و جنبه آسیب‌شناسی آن بسیار قوی‌تر است. بنابراین می‌توان آن را مکملی برای بحث «کاربردی بودن» به‌شمار آورد. دیدگاه‌های مطرح‌شده در این زمینه به قرار زیر است:

۱. کارآمدی و اعتماد عمومی

از جمله آسیب‌های جدی که اقبال به علوم سیاسی و روابط بین‌الملل را در جامعه ما تهدید می‌کند، نوع تحلیل‌های علمی ارائه‌شده از سوی کارشناسان این حوزه است که از طریق رسانه‌های عمومی در مسائل جاری جذب و عرضه می‌شود. واقع امر آن است که نوع مواجهه مردم با رشته‌های علمی از طریق درک کارآمدی آنها در جریان وقایعی است که به‌صورت روزمره رخ می‌دهد. حال اگر جامعه اثر مثبت علم را در مسائل جاری‌اش حس نکند، به‌طور طبیعی از اقبال به آن خودداری می‌کند.

توسعه ابزارهای ارتباطی از یک‌سو - که اقتضای دریافت حجم بالایی از نظرات کارشناسی را دارد - و تعدد مسائل سیاسی در حوزه داخل و بین‌الملل از سوی دیگر - که حکایت از دغدغه‌های سیاسی بالای جامعه ما دارد - منجر می‌شود مسائل سیاسی (داخلی و بین‌المللی) به موضوع مورد علاقه بسیاری از رسانه‌ها تبدیل شود. در نتیجه این وضعیت، جذب دیدگاه‌های کارشناسان و ارائه آنها، به یک نیاز رسانه‌ای تبدیل می‌شود. بدیهی است در صورت عدم رعایت استانداردهای تحلیلی برای جذب نظرات کارشناسی و ارائه هر دیدگاهی (تحت عنوان دیدگاه کارشناسانه)، اعتبار علوم سیاسی نزد مردم را کاهش دهد زیرا

دیدگاه‌های عرضه‌شده با گذشت اندکی زمان صحت خویش را از دست داده و این تصور که دیدگاه‌های کارشناسان از صلابت و اعتبار لازم برخوردار نیست، رواج می‌یابد.

خلاصه کلام آنکه، گسترش زیاد مسائل سیاسی، نباید به کاهش اعتبار دیدگاه‌های کارشناسی - به‌واسطه عدم رعایت استانداردهای علمی از سوی رسانه‌های عمومی - منجر شود. به عبارت دیگر ارائه نظریه‌های سست و غیرمؤثر، منجر می‌شود مردم اعتماد کافی به علم سیاست نداشته باشند و بدین ترتیب در گرایش به این رشته‌ها نیز نوعی افت کیفی به‌وجود آید.

۲. کارآمدی و اعتماد نخبگان

مسائل علوم سیاسی و روابط بین‌الملل صرفاً در گستره افکار عمومی مورد توجه نبوده، بلکه صاحبان قدرت نیز بدان توجه دارند. به همین خاطر بُعدی از کارآمدی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، در توانمندی کارشناسان این حوزه در حل مسائل جاری جامعه و مدیریت قدرت است. این وجه از کارآمدی با «اعتماد» دولتمردان مرتبط است؛ بدین معنا که علم سیاست باید توانمندی خویش را برای مدیریت مسائل به صاحبان قدرت نیز بنمایاند. هرچه این رابطه مبتنی بر اعتماد رو به کاهش گذارد، طبعاً توسعه و ارتقای آن حوزه علمی نیز با دشواری‌های بیشتری روبه‌رو می‌شود. به دلیل وجود همین آسیب است که شاهد عدم اهتمام جدی دولتمردان در حل پاره‌ای از نیازمندی‌های حوزه علوم انسانی (به‌طورکلی) و علوم سیاسی (به‌طورخاص) می‌باشیم. در واقع لازم است علوم سیاسی تأثیرگذاری خود بر معادلات قدرت را به‌صورت مؤثر نشان دهد و از این طریق اعتماد مجریان را جلب و سرمایه‌گذاری آنها را برای توسعه این حوزه مطالعاتی، توجیه‌پذیر کند.

۳. کارآمدی و خودباوری علمی

درحالی‌که دو وجه پیشین بر اعتماد عناصر بیرونی به عالمان حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نظر دارند، این وجه از اعتماد به نسبت میان عالم و علم دلالت دارد. مطابق نتیجه پژوهش میدانی که «کمسیون برنامه‌ریزی هند» به سال ۱۹۸۰ در ارتباط با دلایل بیکاری فزاینده صاحبان مدرک دانشگاهی انجام داد، مشخص شد

یکی از عوامل اصلی بیکاری عالمان علوم انسانی به نوع آموزش آنها طی ۵ دوره تحصیلی‌شان بازمی‌گردد که گستره آن وسیع و عمق آن اندک است. یعنی «تخصص» لازم در ایشان ایجاد نمی‌شود و به همین دلیل اطمینان و اعتماد لازم را در صاحبان این مدارک جهت تصدی مشاغل مربوط، ایجاد نمی‌کند. در جمع‌بندی این گزارش چنین آمده است:

«هنوز شمار مردان و زنان فرهیخته ما که استعداد کارآفرینی و مدیریت داشته باشند، به حد کفایت نرسیده زیرا وقتی منابع بی‌حسابی را برای برپایی مدارس عالی فنی و تخصصی سرمایه‌گذاری می‌کردیم، ابتدا تأکید نکردیم در این مدارس باید افرادی با اعتمادبه‌نفس، برخوردار از قدرت نوآوری و دارای ویژگی‌های اساسی یک مؤسس، تربیت شوند».^(۱۵)

نتیجه این اقدام به تعبیر چالز دیکنر آن می‌شود که: «از همه دانش‌ها کمی یاد می‌گیریم و در آخر هم هیچ نمی‌دانیم».^(۱۶)

می‌توان چنین اظهار داشت که افزایش کارآمدی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل همچون سایر رشته‌های دانشگاهی در گروی تحدید موضوعی حوزه تحصیلی و عمق‌بخشی دانش با هدف تخصصی کردن آن است؛ در غیر این صورت حجم بالایی از اطلاعات با عمق اندک که اثر کاربردی اندکی دارد به دانشجویان منتقل می‌شود.

در یک بررسی آسیب‌شناسانه در خصوص وضعیت عناوین درسی در حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، تقریباً تمامی اساتید شرکت‌کننده در مصاحبه‌های عمیق اظهار داشتند رشته‌های مذکور با نگاه به حوزه اجرایی و عملیاتی کشور طراحی نشده‌اند. بدین معنا که الگوی تعریف‌شده در دو دهه قبل، همچنان مبنای کار است و این در حالی است که زمینه و سازمان اشتغال حوزه سیاسی به شدت تغییر یافته است. به عبارت دیگر دانشجویان ما در این رشته‌ها، عناوین و سرفصل‌های متعددی را مطالعه می‌کنند (حتی در مقطع دکتری) به گونه‌ای که از نیل به تخصص باز می‌مانند.^(۱۷)

در مقام جمع‌بندی مطالب پیرامون این معیار، می‌توان چنین اظهار داشت که

اگرچه «کاربردی بودن» یک رشته علمی را می‌توان با «اقتصادی شدن» کالاهای تولیدی از سوی نخبگان آن حوزه شناسایی و فهم کرد، اما «کارآمدی» آن را نمی‌توان با این شاخص ارزیابی کرد. برای این منظور «استمرار رشد ارقام مربوط به ارزش اقتصادی کالاهای مذکور» معنادارتر است. بدین معنا که در صورت پیشگامی یک رشته علمی در عرصه تعاملات خارج از دانشگاه و درآمدزایی آنها، می‌توان میزان «کارآمدی آن رشته علمی» را گمانه‌زنی کرد. بررسی سایر معیارهای مربوط به رتبه‌بندی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از دانشگاه‌های کشور، حکایت از افزایش این گسست دارد. بر این اساس می‌توان نسبت به افول شاخص «کارآمدی» در کل حوزه علوم انسانی و از آن جمله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل (به صورت مطلق) آگاهی به دست آورد.

بازبینی و اصلاحات اساسی سرفصل درس‌ها

اگرچه بخشی از مباحث دانش سیاست ماهیت اندیشه‌ای و انتزاعی دارد اما از جمله وظایف اصلی دانش سیاست بهینه‌سازی نظام اداره و مدیریت کشوری است. ضرورت توجه به بازخورد و مطالعه نیازها و ظرفیت‌ها و انتظارات مراجعی که دانش‌آموختگان این رشته‌ها معمولاً خدمات خود را در آن مراجع ارائه می‌دهند، در اصلاح مفاد آموزشی دروس بسیار مهم و مفید است.

طی یک بررسی میدانی در مراجعه به سازمان‌ها و مراجع مختلفی که دانش‌آموختگان دانش سیاست و روابط بین‌الملل تاکنون در آنها جذب شده‌اند، سعی شد فهرستی از نیازها، انتظارات و مهارت‌های درخواستی تدوین شود.

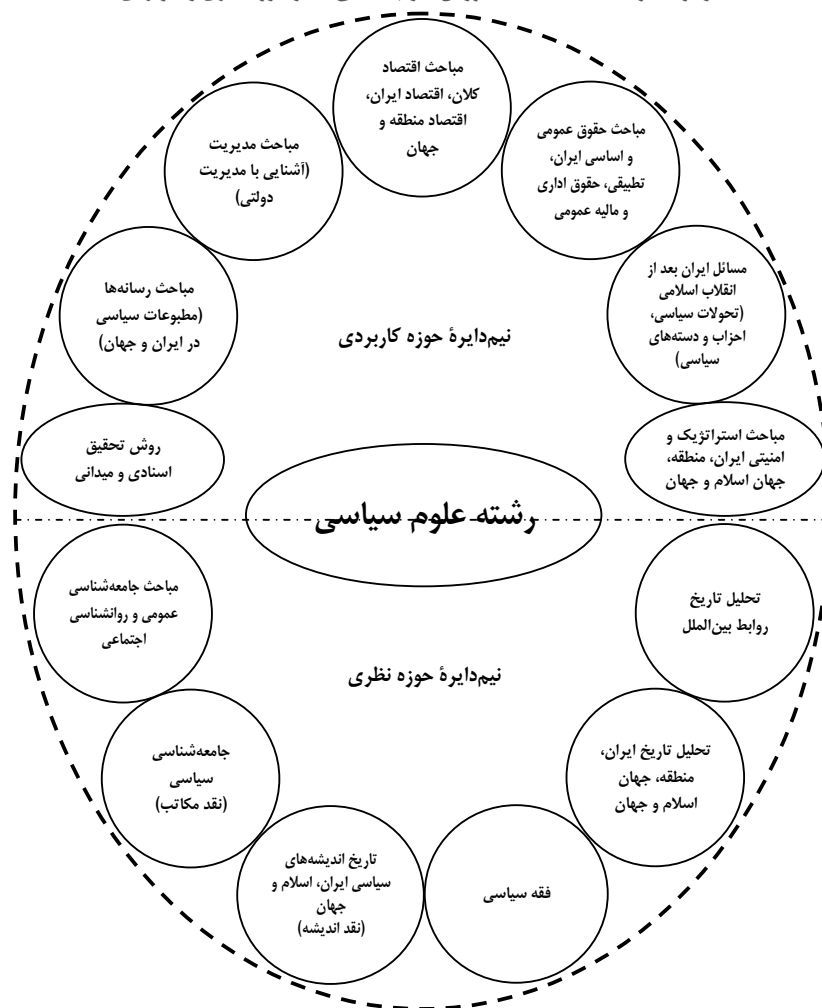
در این رابطه حوزه‌های مختلف کاربردی که علوم سیاسی و در مواردی روابط بین‌الملل می‌تواند در چهارچوب آنها خدمات کاربردی ارائه دهند، به ۶ حوزه تقسیم شده است و سازمان‌ها و مراجعی که این خدمات در آنها ارائه می‌شود، فهرست شده‌اند. حوزه‌های شش‌گانه عبارتند از: (۱) سیاست‌گذاری عمومی، (۲) اطلاعاتی - امنیتی، (۳) سیاست خارجی، (۴) ارتباطات و رسانه‌ها، (۵) آموزش و پرورش، (۶) امور قضایی.

۱. حوزه سیاست‌گذاری عمومی (دولتی)	
مخاطب این حوزه، نهادها و سازمان‌هایی هستند که وظایف آنها به نحوی با اداره کشور از نظر اجرایی و قانون‌گذاری مرتبط است.	
انتظارات اعلامی سازمان‌ها از دانش‌آموخته و مهارت‌های مورد نیاز	نهادها و سازمان‌های اجرایی (محل اشتغال دانش‌آموخته)
<ul style="list-style-type: none"> ■ قدرت تحلیل سیاسی مسائل روز کشور و جهان ■ وفاداری کامل به نظام، رهبری و اطاعت از فرامین مقامات مافوق ■ شناخت کافی از مسائل حقوق عمومی شامل حقوق اساسی، حقوق اداری و مالیه عمومی ■ شناخت کافی از مسائل اقتصاد کلان کشور ■ تجربه و پیشینه کاری ■ تسلط به یک زبان خارجی (ترجیحاً انگلیسی) 	<ul style="list-style-type: none"> ■ دفتر مقام معظم رهبری ■ نهاد ریاست جمهوری ■ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ■ وزارت کشور و زیرمجموعه‌های آن شامل استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و شورای‌های شهر و روستا ■ مجلس شورای اسلامی و نهادهای وابسته ■ شورای نگهبان ■ مجمع تشخیص مصلحت نظام ■ بخش غیردولتی ■ احزاب و دسته‌های سیاسی ■ اتحادیه‌ها و سندیکاها ■ انجمن‌ها و یا مجامع اسلامی ■ سازمان‌های غیردولتی (NGOs)
۲. حوزه اطلاعاتی - امنیتی	
در این حوزه، سازمان‌ها و نهادهایی طبقه‌بندی می‌شوند که شرح وظایف آنها به نحوی با مسائل امنیتی، دفاعی، قوای نظامی، مسائل انتظامی، امور اطلاعاتی، ضد جاسوسی و حفاظت اطلاعات مرتبط است.	
انتظارات اعلامی سازمان‌ها از دانش‌آموخته و مهارت‌های مورد نیاز	نهادها و سازمان‌های اجرایی (محل اشتغال دانش‌آموخته)
<ul style="list-style-type: none"> ■ قدرت تحلیل سیاسی مسائل روز کشور و جهان، ■ وفاداری کامل به نظام و رهبری و اطاعت محض از مقامات مافوق ■ آشنایی با سیاست‌ها و برنامه‌های اطلاعاتی - امنیتی ■ ترجیحاً تسلط به یک زبان بیگانه 	<ul style="list-style-type: none"> ■ وزارت اطلاعات ■ قوای سه‌گانه نظامی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش، ستاد فرماندهی کل قوا ■ مراکز عقیدتی - سیاسی و حراست مجموعه سازمان‌های دولتی ■ وزارت دفاع ■ وزارت کشور

۳. حوزه سیاست خارجی	
سازمان‌ها و نهادهایی در این حوزه طبقه‌بندی می‌شوند که موضوع فعالیت آنها به نحوی با مسائل سیاست خارجی، دفاع از منافع ملی در صحنه بین‌الملل و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی مرتبط است.	
انتظارات اعلامی سازمان‌ها از دانش‌آموخته و مهارت‌های مورد نیاز	نهادهای و سازمان‌های اجرایی (محل اشتغال دانش‌آموخته)
<ul style="list-style-type: none"> ■ قدرت تحلیل مسائل روز جهان ■ شناخت مسائل منطقه‌ای، جهان اسلام و نظام جهانی ■ وفاداری به نظام، رهبری و اصول انقلاب اسلامی ■ تسلط به یک زبان بیگانه، (ترجیحاً انگلیسی و یا عربی) ■ تسلط به مباحث روابط بین‌الملل، تاریخ جهان، حقوق بین‌الملل و روش‌های دیپلماسی 	<ul style="list-style-type: none"> ■ وزارت امور خارجه: این وزارتخانه تنها سازمان دولتی است که در اساس باید بیشتر شاغلان آن، دانش‌آموختگان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل باشند ■ وزارت دفاع ■ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ■ ادارات و دفاتر روابط بین‌الملل در مجموعه سازمان‌های دولتی ■ برخی از سفارتخانه‌های خارجی به‌عنوان کارمند بومی
۴. حوزه ارتباطات و رسانه‌ها	
در این حوزه مراجع مرتبط با رسانه‌های عمومی سمعی - بصری، روزنامه‌ها و مجلات مکتوب و اینترنتی قرار می‌گیرند.	
انتظارات اعلامی سازمان‌ها از دانش‌آموخته و مهارت‌های مورد نیاز	نهادهای و سازمان‌های اجرایی (محل اشتغال دانش‌آموخته)
<ul style="list-style-type: none"> ■ قدرت تحلیل مسائل سیاسی روز ■ وفاداری به نظام و اصول انقلاب اسلامی ■ آشنایی با اصول فناوری‌های ارتباطات و مهارت‌های رسانه‌ای ■ آشنایی با مسائل جامعه‌شناسی، فرهنگی و اقتصادی ایران و جهان ■ ویژگی‌های فردی برای جذب مخاطبان ■ تسلط به یک زبان بیگانه (ترجیحاً انگلیسی، فرانسه یا عربی) 	<ul style="list-style-type: none"> ■ صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در تهران و مراکز استان‌ها ■ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ■ سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ■ سازمان تبلیغات اسلامی ■ خبرگزاری‌ها و مطبوعات بخش دولتی و غیردولتی، ■ ادارات روابط عمومی سازمان‌های دولتی و غیردولتی ■ سازمان ایرانگردی و جهانگردی

۵. حوزه آموزش و پژوهش	
در این حوزه سازمان‌هایی جای می‌گیرند که هدف اصلی آنها تولید علم، رقابت با سایر کشورها در توسعه علمی و آموزش و تربیت متخصصان کشور است.	
انتظارات اعلامی سازمان‌ها از دانش‌آموخته و مهارت‌های مورد نیاز	نهادهای و سازمان‌های اجرایی (محل اشتغال دانش‌آموخته)
<ul style="list-style-type: none"> ■ تخصص عالی در مباحث علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ■ تسلط کامل به یک زبان خارجی (ترجیحاً انگلیسی) ■ توانایی تدریس ■ انجام فعالیت‌های پژوهشی جهت توسعه علمی کشور و رقابت با دانشگاه‌های جهان در مسائل علمی ■ وفاداری کلی به نظام و تعهد اخلاقی به ساخت دانش ■ در وزارت آموزش و پرورش ■ شناخت عمومی مسائل تاریخ ایران و جهان ■ حقوق اساسی ■ توانایی تدریس 	<ul style="list-style-type: none"> ■ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ■ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور ■ اعم از دولتی و غیردولتی ■ آموزش و پرورش
۶. حوزه قضایی	
انتظارات اعلامی سازمان‌ها از دانش‌آموخته و مهارت‌های مورد نیاز	نهادهای و سازمان‌های اجرایی (محل اشتغال دانش‌آموخته)
<ul style="list-style-type: none"> ■ آشنایی با مسائل حقوق اساسی، حقوق جزا، حقوق مدنی و حقوق اداری ■ تخصص در حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی 	<ul style="list-style-type: none"> ■ قوه قضائیه و مجموعه سازمان‌ها و ادارات وابسته شامل دیوان عدالت اداری، دادگاه‌ها و محاکم ■ به‌ویژه محاکمی که در ارتباط با مسائل امنیتی کشور و سازمان‌های نظامی هستند، به همراه وزارت دادگستری

به‌منظور ایجاد ظرفیت کاربردی در نظام آموزش علوم سیاسی و پاسخگویی به مهارت‌های مورد نیاز، باید دروسی تقویت شوند که ماهیت خدماتی و کاربردی و فرارشته‌ای دارند. در این رابطه می‌توان دروس علوم سیاسی را از آغاز دوره کارشناسی تا پایان کارشناسی ارشد، به دو دسته دروس حوزه کاربردی و دروس حوزه نظری تقسیم کرد. نمودار ذیل در تفکیک دروس به ما کمک می‌کند.



براساس این الگو باید وزنه دروس حوزه کاربردی و مباحث کاربردی آن در هر درس در مقطع کارشناسی تقویت شود و در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا مباحث حوزه نظری مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر واحدهای درسی حوزه کاربردی در مقطع کارشناسی بیشتر با مباحث کاربردی تدریس شوند و مباحث نظری بیشتر به دوره کارشناسی ارشد انتقال یابد.

در بازبینی سرفصل دروس در مقطع کارشناسی، مباحث کاربردی مطابق

نمودارهای شماره ۲ تقویت شود و تعمیق در دروس نظری به مقطع کارشناسی ارشد واگذار شود. با عنایت به اینکه در مقطع کارشناسی ارشد، دانشجویان در گرایش‌های تخصصی آموزش می‌بینند و صرفاً در یک گرایش به‌طور عمقی مطالعه می‌کنند، مشکل سطحی بودن آموخته‌های دانش‌آموختگان برطرف می‌شود.

گرایش‌های پیشنهادی علوم سیاسی

الف - سیاست‌گذاری دولتی در ایران،

ب - مسائل امنیتی و دفاعی،

ج - ارتباطات سیاسی و رسانه‌ها،

د - جامعه‌شناسی سیاسی ایران،

ه - حقوق اساسی.

مطابق وضعیت گرایش‌های تخصصی، می‌توان دوره‌های کارشناسی ارشد برای دانش‌آموختگان علوم سیاسی به ترتیب زیر پیش‌بینی کرد:

◆ سیاست‌گذاری عمومی در ایران

◆ دفاع و امنیت ملی

◆ ارتباطات سیاسی و رسانه‌ها

◆ جامعه‌شناسی سیاسی ایران

◆ حقوق اساسی تطبیقی

◆ فقه سیاسی

◆ اندیشه و فلسفه سیاسی در ایران، جهان اسلام و غرب

در نهایت می‌توان گفت با اتخاذ سیاست تکلیفی از سوی دولت مبنی بر اقدام سازمان‌ها و مراجع دولتی به مطالعه نیازها و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و درازمدت خود و انعکاس آن به دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی و درخواست گزارش از میزان همکاری آنها با دانشگاه‌ها، می‌توان گام مفیدی در راستای کاربردی‌سازی علوم سیاسی برداشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. رمضان حسن‌زاده، بررسی موانع کاربست یافته‌های پژوهشی در دستگاه‌های اجرایی، (تهران: دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۸۳)، صص ۲۴-۲۶.
۲. به نقل از: همان، صص ۲۶-۲۷.
۳. سخنرانی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در نخستین نشست کنگره ملی علوم انسانی، خبرنامه کنگره ملی علوم انسانی، شماره ۴، اسفند ۱۳۸۵، ص ۲۱.
۴. در این خصوص نگاه کنید به: احمد بینانی، روش‌های تحقیق و سنجش در علوم تربیتی و روان‌شناسی، (تهران: رهیافت، ۱۳۷۸)؛ علی‌اکبر سیف، «بررسی مشکلات و موانع کاربرد یافته‌های پژوهشی»، مجموعه مقاله‌های پژوهشی در آموزش، (تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، خرداد ۱۳۷۷)؛ نعمت‌الله متین، «کاربست یافته‌های پژوهشی: ضرورت‌ها، نظریه‌ها و راهکارها»، پژوهشنامه آموزشی، شماره ۱۰، آذر ۱۳۸۰؛ محمود مهرمحمدی، کاربست یافته‌های تحقیقاتی: چرا و چگونه، (تهران: دبیرخانه شورای تحقیقات آموزش و پرورش، ۱۳۷۰).
۵. طاهره ابراهیمی‌فر، «انگاره‌های مطالعه سیاست و بررسی مبانی نظری علوم سیاسی»، همایش بررسی وضعیت آموزش و پژوهش رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۶. حاکم قاسمی، «تأثیر انقلاب اسلامی بر آموزش و پژوهش علوم سیاسی»، همایش بررسی وضعیت آموزش و پژوهش رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۷. علیرضا ازغندی، علم سیاست در ایران، (تهران: انتشارات باز، چاپ دوم، تهران: ۱۳۸۲)، ص ۱۲۹.
۸. محسن خلیلی «راهکارهای بهینه کاربردی علوم سیاسی (حضور مؤثر در نهادهای تصمیم‌گیری)، همایش بررسی وضعیت آموزش و پژوهش رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۹. حسین بشیریه، آموزش دانش سیاسی (مبانی علم سیاسی، نظری و تأسیسی)، (تهران: نگاه معاصر، چاپ سوم، ۱۳۸۲)، ص ۲۱.
۱۰. صادق زیباکلام، «سراب علوم سیاسی در ایران: کنکاشی در اسباب و علل عقب‌ماندگی علوم سیاسی در ایران»، همایش بررسی وضعیت آموزش و پژوهش رشته

- علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۱۱. حسین سیف‌زاده، «آموزش علوم جایگزین علم؛ راهگشایی عملی به‌جای دانش دلگشایی مدرسی»، همایش بررسی وضعیت آموزش و پژوهش رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران، اردیبهشت ۱۳۸۶.
۱۲. غلام‌حسن مقیمی، «گفتگو با دکتر علیرضا صدرا»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره هشتم، بهار ۱۳۷۹.
13. S. G. Funk et. al, "The barriers to research utilization scale" *Applied Nursing Research*, Vol. 4, No. 10. 1991.
۱۴. این جدول با استفاده از آمارهای ارائه‌شده به شرح زیر استخراج و ارائه شده است: بررسی موانع و عوامل کاربست یافته‌های پژوهشی، پیشین، صص ۱۰۵-۷۹.
۱۵. کارلوس هرناندز و راشمی مایر، یادگیری برای هزاره نوین، مرضیه کیقبادی و دیگران، (تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۵)، صص ۳۲.
۱۶. به نقل از: همان، ص ۳۳.
۱۷. بررسی وضعیت آموزش در حوزه علوم سیاسی، میزگرد تخصصی در دانشگاه امام صادق (ع)، مورخ اسفند ۱۳۸۵.